

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده شهید شرافت

کارورزی ۴ با محور درس پژوهی

اساتید راهنمای تربیتی

آقای دکتر غلامحسین حسینی زاده، خانم دکتر لیلا قسمی

اساتید راهنمای تخصصی

خانم دکتر ریحانه نظری، خانم دکتر زهرا حیدری

معلم راهنما

سرکار خانم ولی

نام دانشجو

فاطمه نوبخت

سال تحصیلی ۹۵-۹۴

چکیده

کارورزی چهار زمانی شروع شد که پیش از آن طراحی و اجرا را چندین بار تجربه کرده بودیم و سپس به تجزیه و تحلیل عملکرد خویش پراخته بودیم و این تجزیه و تحلیل چشم انداز کلی از خود حرفه ایمان به ما داده بود. در حقیقت در آغاز کارورزی چهار تا حد زیادی از نقاط قوت و هم چنین نقاط ضعف خویش به عنوان یک معلم اطلاع داشتیم. به علاوه برای پیشرفت در آینده ی شغلی نیز برنامه هایی داشتیم. بنابراین کارورزی چهار فرصتی بود که برنامه هایمان را تا حد زیادی عمل کنیم و به نوعی به تمرین اهدافمان بپردازیم.

از مهمترین لازمه های این تمرین، شناخت کتاب درسی بود که با کشیدن نقشه ی ذهنی اشراف خوبی بر کتاب درسی پیدا کردیم. این اشراف به ما کمک می کرد که در هنگام طراحی بدانیم که دانش آموز پیش از آن چه مطالبی آموخته و همچنین پس از آن درس چه درسهایی خواهد آموخت و پیش نیاز آن درسها چه خواهد بود.

طراحی های کارورزی در این ترم در گروه های درس پژوهی انجام گرفت که خود باعث شد از ایده های خلاقانه ی همگروهی هایمان بهره ببریم. پس از اجرا در گروه، توجه به عملکرد همگروهیهایمان و سعی در تجزیه و تحلیل عملکرد آنها و همچنین بهره گیری از پیشنهاداتی که ایشان برای داشتن اجرای بهتر به ما می دادند، فرصتی را برایمان فراهم کرد که در طراحی و اجراهای شخصی قابل نیل نبود.

در پایان می توانم بگویم که این کارورزی زمانی بود که با راهنمایی های اساتید محترم کارورزی توانستیم در زمینه ی مهارت های معلمی، به پیشرفتهای ارزشمندی دست یابیم.

فهرست

مقدمه.....	۵
فصل اول (فرایند درس پژوهی و توسعه حرفه ای).....	۶
تعیین هدف / طراحی واحد یادگیری.....	۷
طراحی نقشه ذهنی.....	۸
تعیین پیامدها.....	۹
مشخص کردن شایستگی / تعیین ایده کلیدی / تعیین پرسش اساسی / تکالیف عملکردی /	
طراحی تکلیف یادگیری.....	۹
کاربرگ طراحی واحد یادگیری.....	۱۲
فصل دوم (روایت من از کارورزی ۴).....	۱۴
روایت من از کارورزی های گذشته.....	۱۸
فصل سوم (تحلیل و تفسیر یافته ها).....	۲۶
منابع.....	۳۰
ضمائم.....	۳۱

دانش جویانی که در رشته های دبیری دانشگاه فرهنگیان به کسب تحصیل می پردازند، در طول دوران تحصیل خود، واحدهای متفاوتی را می گذرانند. اما شاید به جرأت بتوان گفت هیچ یک از این واحدها به مهمی و کارایی واحد کارورزی نیست. چرا که دانشجو معلمان تا زمانیکه نحوه ی ارتباط صحیح با دانش آموزان، شیوه های درست انتقال مطلب و همچنین روش های مفید کلاس داری را یاد نگیرند، قادر نخواهند بود که دانشی را که کسب کرده اند، به دانش آموزان خویش انتقال دهند.

هر یک از چهار دوره ی کارورزی طی شده، با رهاوردهای مفیدی برای ما همراه بود. در اولین کارورزی آموختیم که دانش آموزان را بدون داشتن دلیل و از روی حدس و گمان بررسی نکنیم. کارورزی دو ما را با اصول اولیه ی طراحی آشنا کرد. کارورزی سه که تأثیری شگرف بر رشد حرفه ای ما به عنوان معلمان آینده داشت، فرصتی را برایمان فراهم آورد تا طراحی هایی داشته باشیم و سپس در محیط واقعی یعنی کلاس های مدرسه به اجرای آنها بپردازیم و سپس به تجزیه و تحلیل این عملکرد همت گماریم.

کارورزی چهار را می توان چکیده ی کارورزی های پیشین دانست. جایی که در ابتدا کتاب را به خوبی شناختیم و بعد در گامی بالاتر براساس این شناخت حاصل شده در گروه هایمان طراحی و سپس به اجرا پرداختیم. این مشارکت گروهی فرصت ارزشمندی بود که از هم گروهی هایمان مطالب مفیدی یاد بگیریم و همچنین از پیشنهادهای که ایشان برای بهتر شدن کارمان می دادند، به نحو احسن استفاده کنیم. در حقیقت کارورزی چهار زمینه ای برای رشد حرفه ایمان فراهم کرد تا هرآنچه که را در کارورزی های پیشین خوانده بودیم، به کار بندیم و سعی در پیشرفت هرچه بیشتر در این زمینه داشته باشیم.

فصل اول

فرآیند درس پژوهی و

توسعه حرفه ای

تعیین هدف : ششمین فصل از کتاب ریاضی پایه هفتم، فصل شمارنده ها و اعداد اول می باشد.

در این فصل دانش آموزان با مفاهیم عدد اول، شمارنده اول، بزرگترین مقسوم علیه مشترک و کوچکترین مضرب مشترک آشنا می شوند.

این فصل جز آن دسته از فصل های کتاب است که یادگیری آن بسیار مورد توجه است زیرا نه تنها در دوره ی متوسطه اول بلکه در متوسطه دوم و دانشگاه نیز مدام مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین این فصل جز فصل های پایانی کتاب است و نمره آن در امتحان ترم دانش آموزان تاثیر به سزایی دارد.

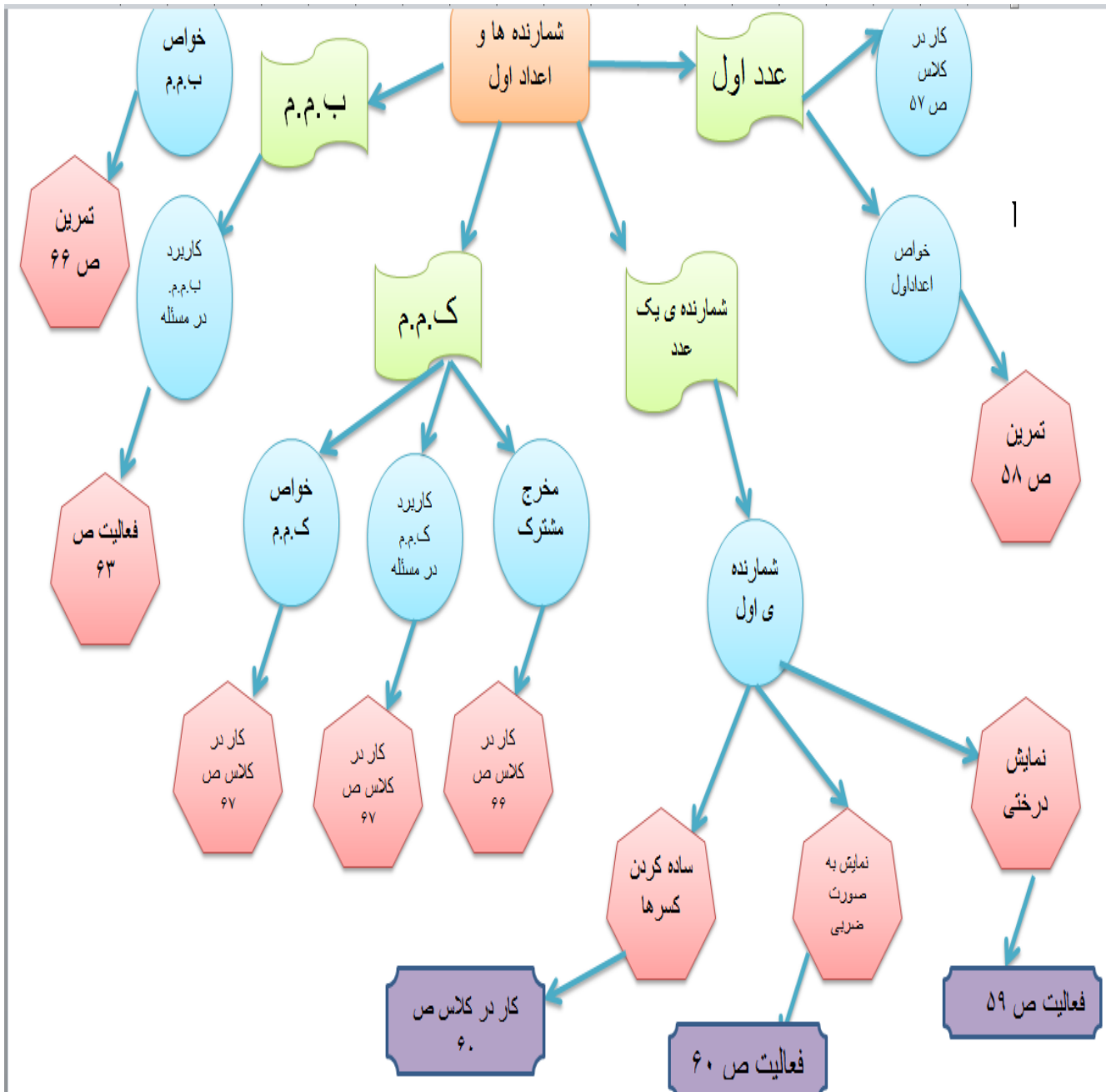
به غیر از موارد فوق از کاربردهای این فصل در زندگی می توان مثال هایی از موزاییک کردن کف یک اتاق ، گنجایش ظروف ، دسته بندی های مختلف ، الگویابی و.... ارائه کرد.

طراحی واحد یادگیری :

مفاهیم : دانش آموزان با مفاهیم عدد اول ، شمارنده یک عدد ، شمارنده اول ، مضرب ، ب.م.م و ک.م.م آشنا می شوند.

مهارت ها : دانش آموزان به مهارت های نوشتن شمارنده های یک عدد ، پیدا کردن عددهای اول ، پیدا کردن شمارنده اول یک عدد ، ساختن عددهای مختلف با شمارنده های اول ، پیدا کردن تمام شمارنده های یک عدد با معلوم بودن تجزیه عدد ، تجزیه عدد به شمارنده های اول ، پیدا کردن ب.م.م دو عدد ، نوشتن مضرب های یک عدد ، پیدا کردن ک.م.م دو عدد و رابطه بین مضرب و مقسوم علیه دست می یابند.

طراحی نقشه ذهنی :



تعیین پیامدها : دانش آموزان با دانستن و تجربه کردن مفاهیم و مهارت های اساسی قادر خواهند بود در سال های آینده در دروسی که مرتبط با این فصل است با مشکل رو به رو نشوند، در پایان ترم از این مبحث نمره خوبی حاصل کنند و همچنین از پس مسائل روزمره خود که نیاز به یادگیری این مباحث دارد به خوبی برآیند.

مشخص کردن شایستگی /تعیین ایده کلیدی /تعیین پرسش های اساسی / تکلیف عملکردی /طراحی تکالیف یادگیری

کارورزی ۴ (سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴) طراحی و تدوین، اجرا و ارزیابی واحد یادگیری گروه ریاضی		مرکز آموزش عالی شهید شرافت
مشخصات دانشجو: این بخش برای پر کردن بخش های فردی پس از اجرای طرح است و در آینده پر خواهد شد.		
اعضای گروه درس پژوهی: فاطمه سلیمانی پور — فاطمه نوبخت --- حدیث نادعلی زاده --- عاطفه اینانلو		
مشخصات مدرسه:	نام مدرسه: دبیرستان دخترانه دوره اول متوسطه گشتاسب	پایه تحصیلی: هفتم منطقه: ۶
موضوع: شمارنده ها و اعداد اول	صفحات کتاب: ۵۶ تا ۶۷	نام معلم راهنما: سرکار خانم ولی تاریخ اجرا: ۱۳۹۵/۲/۲۹
تهیه نقشه محتوای واحد یادگیری (در پایان فایل نقشه ذهنی ضمیمه خواهد شد):		
ایده کلیدی: دسته بندی کردن (به ویژه ساختن دسته های مساوی و قابلیت تقسیم از مفاهیم)		
شایستگی: دانش آموز باید بتواند ضمن درک مفهوم شمارنده و شمارنده های اول به عنوان مفهوم اصلی بخش و پیش نیاز بسیاری از مفاهیم در ریاضیات در ذهن خود با مفاهیم ب.م.م و ک.م.م ارتباط برقرار کرده و از کاربرد آن در زندگی روزمره استفاده نماید.		
ملاک ها و سطوح عملکرد		
سطح ۱-مبتدی (تسلط بر دانش-عمل)	سطح ۲-مهارت (تسلط بر مراتبی از درک-عمل)	سطح ۳-خبرگی (انتقال به موقعیت جدید)
آشنایی با شمارنده های اول و مباحث مرتبط با آن ب.م.م و ک.م.م	دانش آموز توانایی بازگو کردن آنچه که آموخته و همچنین حل مسائل مشابه را پیدا می کند.	دانش آموز توانایی حل مسائل جدید را در این مبحث کسب می نماید.

آشنایی با مفاهیم ابتدایی ب.م.م. ک.م.م.		تطبیق یافته های ریاضی با مثال های عینی در زندگی روزمره	یادگیرنده می تواند در موقعیت های مختلف زندگی، با تفکر منطقی خویش، تصمیمات مناسب را اتخاذ نماید.
مراحل یادگیری	شرح تکالیف یادگیری/تکالیف عملکردی به تفکیک مراحل	محدوده زمانی	مواد/منابع یادگیری
برقراری ارتباط	ابتدا درس را با این مثال آغاز میکنیم...به دانش آموزان میگوییم فرض کنید کلاس شما را میخواهند به اردو ببرند و شب باید برای اقامت شما اتاق هایی را رزرو کنند حال اتاق ها میتوانند چند تخته باشند؟ اگر کلاس هفتم دیگر مدرسه به تعداد ۳۵ نفر را بخواهند اردو ببرند اتاق های چند تخته میتوانند بگیرند؟ اگر هزینه خیلی برای ما مهم باشد و بگویند هر تعداد اتاق که بگیرند هزینه اتاق ۶ نفره و ۴ نفره و ۲ نفره یکسان است بهتر است چند اتاق بگیرند؟	۱۰ دقیقه	تخته کلاس
	پس از گفتن مثال دقایقی به دانش آموزان وقت میدهیم تا به صورت انفرادی بر روی مثال فکر کنند و بعد تمام نظرات دانش آموزان را بر روی تخته نوشته و مفهوم شمارنده را برای دانش آموزان یادآوری میکنیم		
تحلیل و تفسیر			
تجربه کردن	میخواهیم کف این کلاس را که به شکل مستطیل است به طول ۲۴ و عرض ۱۸ متر است را با کاشی های مربعی پر کنیم ضلع این کاشی چه عددی میتواند باشد؟ اگر بخواهیم تعداد کاشی ها حداقل باشد ضلع کاشی های مربعی چقدر میتواند باشد..	۵ دقیقه	
	دانش آموزان به صورت انفرادی بر روی مسئله فکر میکنند و سپس جواب دانش آموزان را بر روی تخته نوشته و با کمک خود دانش آموزان و با استفاده از قسمت اخر مثال قبل مفهوم ب.م.م را بیان میکنند		
تحلیل و تفسیر			
به کار بستن	سوال ۱: ظرف ۴۵ و ۱۵،۳۵ لیتری را با پیمانه های چند لیتری می توانیم پر کنیم که کوتاهترین زمان پر شود؟ سوال ۲: شهرداری میخواهد از ابتدای یک خیابان در هر ۹ متر یک درخت توت و هر ۶ متر یک درخت بادام بکارد به نظر شما آیا شهرداری میتواند این کار را انجام دهد؟ آیا امکان دارد درخت ها با هم تداخل داشته	۱۰ دقیقه	تخته کلاس

		یاشند؟	
از دانش آموزان می‌خواهیم تا بصورت گروهی بر روی ۲ سوال فکر کرده سپس از هر گروه یک نفر به پای تخته آمده جواب خود را بنویسد و بعد از آنها می‌خواهم بگویند که این دو سوال چه فرقی با هم دارند و با کمک و ایده های خود دانش آموزان دو مفهوم ب.م.م و ک.م.م را توضیح و تفکیک می‌کنم			فرآیند هدایت و ارائه بازخورد
			تحلیل و تفسیر
تخته کلاس	۱۰ دقیقه	زهره و مریم و بهار می‌خواند با هم مسابقه دو دهند زهره هر ۶ دقیقه و مریم هر ۴ دقیقه و بهار هر ۵ دقیقه یک دور می‌زنند به نظر شما این سه نفر پی از چند دقیقه برای بار اول به هم می‌رسند.	به اشتراک گذاشتن
دانش آموزان به صورت انفرادی بر روی مسئله فکر میکنند و سپس جواب دانش آموزان را بر روی تخته نوشته			فرآیند هدایت و ارائه بازخورد
			تحلیل و تفسیر
از دانش آموزان می‌خواهیم که تمرین های ترکیبی کتاب را حل کنند و برای جلسه آینده بیاورند.			انتقال به موقعیت جدید/ تکالیف عملکردی/ سنجش آموخته ها و تعیین سطح عملکرد یادگیرنده
تحلیل و تفسیر نهایی و بازگشت به نقطه اول تبیین مسئله و بازنگری در طرح تهیه شده:			
آنچه از این تجربه آموختم:			
چگونه تعامل من با گروه درس پژوهی به یادگیری من کمک کرد:			
استاد راهنمای تخصصی: دکتر ریحانه نظری		استاد راهنمای علوم تربیتی: دکتر لیلا قاسمی	

گروه ریاضی

سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴

دانشگاه فرهنگیان

مرکز آموزش عالی شهید شرافت

«کاربرگ طراحی واحد یادگیری»

مشخصات واحد یادگیری:

کتاب: ریاضی

فصل: ششم

پایه: هفتم

دوره ابتدایی ☐ / متوسطه اول ☒ / دوم ☐

عنوان واحد یادگیری (فصل): شمارنده ها و اعداد اول

مفاهیم و مهارت های اساسی (گروه های مربوط به نقشه ذهنی):
مفاهیم: بزرگترین شمارنده مشترک - کوچکترین مضرب مشترک
مهارت ها: مقایسه شمارنده های دو عدد - یافتن بزرگترین شمارنده دو عدد - یافتن ک.م.م دو عدد و بیشتر - استفاده از ب.م.م و ک.م.م در حل مسائل - ساده کردن کسرها و....

ایده کلیدی: دسته بندی کردن افراد و اشیاء

شایستگی: دانش آموز باید بتواند ضمن درک مفهوم شمارنده و شمارنده های اول به عنوان مفهوم اصلی بخش و پیش نیاز بسیاری از مفاهیم در ریاضیات در ذهن خود با مفاهیم ب.م.م و ک.م.م ارتباط برقرار کرده و از کاربرد آن در زندگی روزمره استفاده نماید.
(مثلا دانش آموز بتواند برای خودش پازل هایی با ابعاد مختلف و تکه های یکسان درست کند.)

ملاک شایستگی:

سطح ۳	سطح ۲	سطح ۱	ملاک
دانش آموز توانایی حل مسائل جدید را در این مبحث کسب می نماید.	دانش آموز توانایی بازگو کردن آنچه که آموخته و همچنین حل مسائل مشابه را پیدا می کند.	آشنایی با شمارنده های اول و مباحث مرتبط با آن ب.م.م و ک.م.م	درک مفاهیم اولیه
یادگیرنده می تواند در موقعیت های مختلف زندگی، با تفکر منطقی خویش، تصمیمات مناسب را اتخاذ نماید.	تطبیق یافته های ریاضی با مثال های عینی در زندگی روزمره مانند: قرار ملاقات - دسته بندی کردن و...	آشنایی با مفاهیم ابتدایی ب.م.م . ک.م.م	

ویژگی یادگیرنده	تکالیف عملکردی:
آمادگی دانش آموزان برای انجام فعالیت های گروهی در کلاس	<p>حل مسائل مرتبط با موضوع درس در کلاس.</p> <p>ارائه چند تمرین برای دست ورزی دانش آموزان برای حل مسائل مرتبط با تدریس.</p> <p>ارائه چندین مساله کاربردی و مثال های روزمره برای تفهیم بهتر مطالب.</p>
رعایت مقررات آموزشی: (زمان / منابع آموزشی / وسایل مجاز (مانند ماشین حساب / کامپیوتر و...) سایر	
<p>- زمان: ۶۰ دقیقه</p> <p>- منابع آموزشی: کتاب درسی - کتاب کار - نمونه سوالات معلم راهنما</p> <p>- وسایل آموزشی: تخته وایت برد - مژیک</p>	
تاریخ جلسه:	<p>اعضای گروه درس پژوهی:</p> <p>عاطفه اینانلو - حدیثه نادعلی زاده - فاطمه سلیمانی پور - فاطمه نوبخت</p>

فصل دوم

روایت من از کارورزی ۴

هنوز خستگیمان از کارورزی ۳ رفع نشده بود که وارد کارورزی ۴ شدیم.

در اولین جلسه ای که برای کارورزی ۴ برگزار شد، اساتید محترم ابتدا برنامه این ترم را برایمان توضیح دادند و گفتند که ابتدا گروه بندی شویم، سپس هر گروه یک موضوع را انتخاب کند، که این موضوع باید یک فصل کامل از کتاب ریاضی باشد. (موضوعی که انتخاب می کردیم می بایست نقشه ذهنی، طرح درس و اجرا داشته باشد).

سپس استاد حسین زاده نقشه ذهنی را برایمان توضیح دادند ولی در این جلسه اکثر دانشجویان به طور کامل توجیه نشدند و در پایان جلسه اساتید فایل های مربوطه را روی سیستم گذاشتند تا دانشجویان آن ها را مطالعه کنند و بیشتر متوجه شوند.

هفته آینده دوباره نقشه ذهنی را برایمان توضیح دادند و بعد به کمک اساتید سوالاتمان را پرسیدیم و ابهاماتمان رفع شد؛ سپس به صورت گروهی نشستیم و پس از بحث با هم گروهی های خود، ابتدا فصلی از کتاب حسابان را انتخاب کردیم ولی با صلاحدید استاد قاسمی قرار شد از مباحث کتاب پایه هفتم، هشتم و نهم انتخاب کنیم؛ چون نظر ایشان این بود که کتاب های اول، دوم دبیرستان و همچنین حسابان به زودی تغییر می کنند و فعالیت هایی که قرار است ما در این ترم انجام دهیم در سال های آینده تدریسمان به دردمان نمی خورد.

بنابراین ما فصلی از کتاب پایه نهم را انتخاب کردیم و نقشه ذهنی آن را نوشتیم و آن را روی مقوا پیاده کردیم. در پایان کلاس اساتید، تاریخی را مشخص کردند تا به مدرسه برویم و با مدیر و معلم راهنمایمان هماهنگی های لازم را برای اجرا انجام دهیم.

وقتی به مدرسه رفتیم، اول از مدیر اجازه گرفتیم سپس نزد سرکار خانم ولی (دبیر ریاضی) رفتیم و برنامه مان را برایشان توضیح دادیم؛ چون ایشان کتاب را تمام کرده بودند ما نتوانستیم فصلی را که می خواستیم ارائه کنیم و خانم ولی سه مبحثی را که دانش آموزان بیشتر اشکال داشتند به ما معرفی کردند و ما از بین آن ها مبحث شمارنده ها و اعداد اول را برای تدریس انتخاب نمودیم. به خاطر این موضوع ما یک مرحله از دوستان جا ماندیم و تمام مراحل قبلی را از ابتدا انجام دادیم سپس نقشه ذهنیمان را به اساتید نشان دادیم تا اگر ایرادی ندارد وارد فرم ها و مقوا کنیم.

بلاخره خود را تا جلسه آینده به کلاس رساندیم. در این جلسه همگی به نمازخانه رفتیم و نقشه های ذهنی خود را بر روی دیوار نصب کردیم؛ باید از نقشه های ذهنی خود دفاع و نقشه ذهنی گروه های دیگر را نقد و بررسی می کردیم. در این جلسه غیر از اینکه ایده های جدید از کار دوستانمان آموختیم؛ مهمتر از آن شیوه صحیح و مودبانه نقد کردن را از استاد حسین زاده آموختیم و همچنین تجربه ای دیگر از مشارکت گروهی کسب نمودیم.

پس از انجام این مراحل خود را برای نوشتن طرح درس مناسب برای تدریس آماده کردیم. به نظر من مطلع بودن از سطح دانش آموزان کلاس برای نوشتن طرح درس لازم و ضروری می باشد و با توجه به اینکه تمام کارورزی های خود را در مدرسه گشتاسب گذرانده بودم تقریباً سطح دانش آموزان کلاس را می دانستم. از طرفی وضعیت کلاس های پایه هفتم (کلاس هایی که ما باید در آن جا تدریس می کردیم) طوری بود که کامپیوتر و تخته هوشمند نداشتند (بر خلاف کلاس های پایه هشتم و نهم مدرسه)، همچنین کلاس ها تنگ و کوچک بود و هر کلاس تقریباً ۳۴ دانش آموز داشت، به همین دلیل نتوانستیم در تدریس خود از پاورپوینت و... استفاده کنیم؛ همچنین نمی توانستیم کارهای گروهی که نیاز به فعالیت و تحرک دانش آموزان دارد انجام دهیم و کارهای گروهی را به همان صورتی که دانش آموزان سر جایشان نشسته بودند انجام دادیم.

اولین اجرای طرح درسمان به عهده خانم سلیمانی و اینانلو بود. کلاس آرامش خوبی داشت. بعضی از بچه ها به خوبی فعالیت می کردند ولی بعضی دیگر با توجه به اینکه مبحث تکراری بود نمی توانستند فعالیت ها را حل کنند و مشکل داشتند. در این جلسه داوطلب و غیر داوطلب بچه ها پای تخته می آمدند و بیشتر سعی بر این بود که بچه ها به صورت گروهی (۲ الی ۴ نفر) درگیر سوالات شوند و به چالش برخوردند و خودشان در پی راه حلی بکوشند. در پایان این جلسه از پویایی دانش آموزان در کلاس و عملکرد خود راضی بودیم.

پس از کلاس بعد از کمی گفت و گو با دوستان به این نتیجه رسیدیم که باید فعالیت های قسمت ب.م.م را کمتر کنیم و روی قسمت ک.م.م تمرکز بیشتری کنیم؛ چون به نظر می رسید دانش آموزان در این قسمت مشکل بیشتری داشتند و نمی توانستند تشخیص دهند که در مسائل چه موقع از ک.م.م استفاده کنند.

با کمی تغییر طرح درس اولیه، برای تدریس در کلاس ۷/۲ آماده شدیم. در این کلاس من و خانم نادعلیزاده تدریس کردیم. تقریباً دانش آموزان هر دو کلاس در یک سطح بودند ولی در این جلسه بازخورد بهتری از فعالیت های دانش آموزان دریافت کردیم؛ دانش آموزان سوالات بیشتری برای پرسیدن داشتند و...؛ خلاصه این کلاس هم کلاس رضایت بخشی به نظر می آمد و ما توانستیم کل سوالاتمان را مطرح و فعالیت ها را اجرا کنیم.

پس از اجرای طرح درس نوبت به تکمیل فرم ها و ارسال آن برای اساتید رسید؛ و اکنون هم گزارش پایانی.

در آخر به نظر من در کارورزی ۴ کمتر درگیر گزارش نویسی شدیم و فعالیت های عملی مان بیشتر و بهتر بود و همچنین با توجه به اینکه برای اولین بار یک فصل کامل را تدریس کردیم و هم اینکه تدریس دوستانمان را مشاهده کردیم، تجربه خوبی برایمان شد.

روایت من از کارورزی های گذشته

کارورزی ۱: اولین واحدی که در آن شغل معلمی هرچند کوتاه را در طول تحصیل تجربه کردیم، کارورزی ۱ بود. هدف از کارورزی یک آشنایی با مسائل مدارس، توصیف و تفسیر وضعیت امکانات فیزیکی، رویدادهای تربیتی و آموزشی و عاطفی مورد مشاهده در مدارس، بود. بعد از هماهنگی با اداره آموزش و پرورش و مشخص شدن مدرسه، به همراه یکی از دوستانم به دبیرستان نرجس رفتیم و با معلم و مدیر و معاون مدرسه آشنا شدم. معاون مدرسه رفتاری خشک داشت. ولی معلم با خوشرویی ما را پذیرفت و پس از آن ما در کلاس های ایشان شرکت می کردیم.

در تمامی جلسات به همراه معلم به کلاس می رفتیم و در انتهای کلاس می نشستیم و به مشاهده رویداد های کلاس درس می پرداختیم. در زنگ اول با پایه اول و در زنگ دوم با پایه دوم کلاس داشتند. معلم به روش سخنرانی به تدریس دروس می پرداخت. درس را توضیح می داد و چند مثال حل می کرد و سپس از بچه ها می خواست که فعالیت کتاب را حل کنند. تقریباً در تمامی جلسات، دانش آموزان در حال حرف زدن بودند و به درس توجهی نمی کردند. معلم برای شروع کلاس فقط به گفتن کلمه "سلام" و حضور و غیاب اکتفا می کردند. حل تمرین در کلاس ها به صورت فردی بوده و کارگروهی در آن دیده نمیشد. در مواقعی که دانش آموزان سروصدا می کردند، معلم با ضربه زدن بر روی میز یا بلند کردن صدا و یا چشم غره رفتن کلاس را ساکت می کردند ولی بعد از چند دقیقه دوباره کلاس شلوغ می شد.

در فرصت هایی که معلم به دانش آموزان برای حل تمرین میدادند، ایشان به بالای سر دانش آموزان می رفتند که اگر بچه ها سوالی داشتند، جواب آن ها را بدهند. در یکی از کلاس ها، دو نفر در ته کلاس بودند که معلم با آنها کاری نداشت از آنها نمی خواست که تمرینات کلاس را انجام دهند آن دو نیز اصلاً به درس توجه نمی کردند و با یکدیگر صحبت می کردند معلم درس را فقط به چند نفر از دانش آموزان کلاس توضیح می داد و از آنها می خواست که به پای تخته بیایند و تمرینات را حل کنند از آن دو دانش آموز پرسیدم چرا تمرینات را نمی نویسند گفتند وقتی متوجه نمی شویم چی بنویسیم. در ساعت تفریح آن معلم به من گفت آن دو دانش آموز در کلاس آزادند من هم به آنها کاری ندارم و به آنها گفتم که هر کاری دلتان می

خواهد بکنید ولی کلاس را به هم نریزید. معلم در برابر سروصدای دانش آموزان، با صدای تقریباً بلندی بچه ها را مجبور به سکوت می کرد.

در یکی از جلسات به تهیه گزارش فیزیکی از مدرسه پرداختیم. مدرسه نرجس یک مدرسه تقریباً بزرگ با بافت قدیمی بود. بنابراین کارورزی یک با مساله یابی در زمینه های آموزشی، عاطفی و فیزیکی به پایان رسید.

کارورزی ۲: این مرحله از کارورزی را نیز در دبیرستان نرجس گذراندم. در جلسات اول ترم، استاد برنامه ی کارورزی ۲ را توضیح دادند. در این مرحله باید به طراحی خرده فعالیت های آموزشی بپردازیم. در واقع این فعالیت ها فرصت هایی برای کسب تجربیات مستقیم بود. انواع فعالیت هایی که می توانستیم اجرا کنیم در قالب درگیری تحصیلی، مرور مباحث، سنجش آموخته ها، یادگیری مشارکتی، رفع بدفهمی، رفع عقب ماندگی تحصیلی و... بود. در واقع این فرصت هایی که در اختیار قرار گرفته بود، دانشجویان را در موقعیت فرآیند یاددهی قرار می داد.

یک از فعالیت هایی که طراحی کردم، مرور فصل حل معادله درجه ۲ بود. با توجه به نزدیک شدن به پایان سال تحصیلی، برای آمادگی بیشتر دانش آموزان برای امتحانات پایان سال، مرور مباحث تأثیر بسزایی دارد. همچنین این فصل علاوه بر درس ریاضی، در سایر درس ها نیز کاربرد دارد. به همین دلیل مرور مباحث این فصل را به عهده گرفتیم.

فعالیت دیگر، رفع عقب ماندگی دانش آموز در درس حل معادله درجه ۲ به روش تجزیه، بود. در کلاسی که برای کارورزی به آنجا می رفتم، دانش آموزی بود که متوجه شدم در یادگیری ریاضی مشکل دارد. با اینکه در گروه بندی هایی که معلم تشکیل داده، قوی ترین دانش آموز را فقط برای این دانش آموز در نظر گرفت ولی تغییری حاصل نشد. لذا تصمیم گرفتم که برای رفع عقب ماندگی این دانش آموز در درس حل معادله درجه ۲ فعالیتی انجام دهم. ولی متأسفانه این فعالیت پیامدی در پی نداشت و دانش آموز همچنان در حل معادله مشکل داشت.

یادگیری نامعادلات از طریق کار گروهی، دیگر فعالیتی بود که طراحی کردم. از آنجایی که فصل نامعادلات به تازگی تدریس شده و سال تحصیلی نیز رو به اتمام بود، من و دوستم تصمیم گرفتیم که بچه ها این مبحث را در گروه کار کنند تا علاوه بر اینکه از زبان معلم این

درس را شنیده اند، از زبان دوستانشان نیز بشنوند. چون بعضی ها زبان هم سالان خود را بهتر متوجه می شوند.

در جلسه ای دیگر فعالیت سنجش آموخته ها از فصل مثلثات، را طراحی کردم. چون درس مثلثات، مبحث جدیدی بود و دانش آموزان برای اولین بار آن را می آموختند، لذا تصمیم گرفتم که بعد از تدریس مطالب اولیه از این مبحث، یک سنجش کلی از کلاس داشته باشم.

طراحی فعالیت درگیر نمودن شناختی برای مبحث معادله دو خط موازی منطبق بر هم، نیز یکی از خرده فعالیت ها بود. چون یادگیری به شیوه درگیر نمودن باعث میشود که مطالب بهتر و مدت زمان بیشتر در ذهن بمانند و همچنین مبحث دستگاه معادلات از جمله مباحثی است که کاربرد زیادی دارد، تصمیم گرفتم فعالیتی در این زمینه انجام دهم.

کارورزی ۳: در جلسات اول کارورزی، به بیان کلی از کارها و فعالیت های کارورزی ۳ و انتظارات دانشجویان از آن، پرداخته شد. برنامه این کارورزی، کنش پژوهی بود. در این مرحله به تحلیل موقعیت، طراحی آموزشی بر اساس پنج گام (برقراری ارتباط، تجربه کردن، به کار بستن، به اشتراک گذاشتن و انتقال به موقعیت جدید) و بیانیه من حرفه ای پرداختیم. متأسفانه به دلیل تخریب مدرسه ای که کارورزی ۱ و ۲ را در آنجا گذرانده بودم، انتخاب مدرسه و هماهنگی با اداره کمی به طول انجامید.

بعد از مشخص شدن مدرسه و دریافت معرفی نامه از اداره منطقه ۷، ۲۹ مهر ماه به عنوان اولین روز به دبیرستان دوره اول هاجر رفتم. معاون مدرسه با روی خوش معرفی نامه را پذیرفت. در مدرسی که در آن تحصیل می کردم یا مدرسه ای که کارورزی سال گذشته به آن جا می رفتم، این تصور را داشتم که معمولاً معاونان مدرسه افرادی سخت گیر و کمی بد اخلاق هستند، ولی معاون این مدرسه با وجود اینکه اولین بار به آنجا می رفتم با خوش رویی حضور من را پذیرفت. همچنین با دانش آموزان مدرسه نیز خوش اخلاق بودند.

به اتاق دبیران که در طبقه اول قرار داشت رفتم. و با یکی از معلمان ریاضی مدرسه آشنا شدم. ایشان نیز با خوش رویی قبول کردند که در کلاسشان حضور داشته باشیم. در آن روز مدرسه مراسمی به مناسبت ایام ماه محرم قرار بود برگزار کند.

بعد از مراسم به همراه معلمان به اتاق دبیران رفتیم. بعد از اینکه زنگ خورد، به همراه معلم ریاضی به کلاس رفتیم. موضوعی که توجه من را جلب کرد این بود که در این مدرسه هر کلاس متعلق به یک معلم است و دانش آموزان در هر زنگ جابجا می شوند. کمد هایی هم در راهرو مدرسه قرار داشت که مختص دانش آموزان بود و وسایل خود را درون آن می گذاشتند. از این نظر که بچه ها برای هر درس در محیطی که رنگ و بوی آن درس را می دهد، قرار بگیرند ایده جالبی است.

وقتی وارد کلاس شدیم، من به انتهای کلاس رفتم و روی نیمکت نشستم. کلاس مجهز به تخته هوشمند بود و در کنار آن نیز یک تخته وایت برد قرار داشت که به علت خراب بودن تخته هوشمند، از تخته وایت برد استفاده می کردند. ۴شنبه ها زنگ اول با پایه هفتم و زنگ دوم با پایه نهم کلاس داشتند. در تمامی جلسات معلم در ابتدای کلاس، از نماینده کلاس می خواست که حضور و غیاب کند. سپس برای هر سوال از تمرینات کتاب یکی از دانش آموزان را صدا می زد که سوال را حل کند و هم زمان نیز به نگاه کردن دفتر دانش آموزان می پرداخت. وقتی دانش آموز سوال را حل می کرد معلم از او خواست که توضیح دهد. تدریس معلم کاملاً مطابق با کتاب بوده و یادگیری دانش آموزان ضمن حل فعالیت ها و کار در کلاس های کتاب صورت می گرفت.

در طول کلاس متوجه شدم معلم همه ی دانش آموزان را به اسم کوچکشان صدا میکند. صدا کردن دانش آموزان به اسم کوچک باعث ایجاد حس صمیمیت بین معلم و دانش آموزان می شود.

بعد از حل هر تمرین، معلم به بچه ها فرصت می داد که فعالیت کتاب را به تنهایی یا با بغل دستی شان حل کنند. در طول کلاس متوجه شدم که دانش آموزان به صورت گروه های ۴ یا ۵ نفره در کلاس مینشینند.

در تمامی جلسات معلم لپ تاپی را به همراه می آورد و با وصل کردن آن به دستگاه پروژکتور، پاورپوینتی را که مرتبط با درس هر جلسه بود را به نمایش درمی آورد و از یکی از دانش آموزان می خواست که همراه با دفتر و کتابش در جایگاه او(=معلم) بنشیند و slide ها را یکی یکی همگام با کتاب پیش ببرد. روش تدریس ایشان به طور معمول به اینگونه بود که به

دانش آموزان فرصت می دادند فعالیت ها و کار در کلاس کتاب را حل کنند و روی تخته بنویسند.

همچنین هر جلسه در زنگ اول قبل از شروع کلاس، یکی از دانش آموزان آیه ی قرآنی را بر روی تخته می نویسد و معلم نیز از بچه ها می خواهد که ساکت باشند و گوش بدهند. آن دانش آموز هم آیه را بلند می خواند و معنی می کند. شروع کردن روز با یک آیه و حفظ کردن آن یکی از نکات تربیتی است که این مدرسه آن را در نظر گرفته است و معلمان نیز در این امر با مدرسه هماهنگ اند و زمینه آشنا کردن دانش آموزان در این سن با قرآن و آیات به همراه معنی را فراهم می کنند.

در یکی از جلسات دو نفر از دانش آموزانی که در انتهای کلاس نشسته بودند از ابتدای کلاس با یکدیگر حرف می زدند و به کلاس توجهی نمی کردند و معلم متوجه آن ها بود. در اواخر ساعت کلاس معلم نزد این دو دانش آموز آمد و از آنها خواست که دفتر شان را به وی نشان دهند. معلم دید که آنها تمرینشان را حل نکرده بودند. از هر دوی آنها خواست که برای روز شنبه مادرشان به مدرسه بیاید. بعد از تمام شدن حل تمرینات، معلم به بچه ها اعلام کرد که دوشنبه هفته ی آینده امتحان می گیرد.

در جلسه ای هنگام حل فعالیت کتاب توسط دانش آموزان، معلم به کنار دانش آموز ضعیف رفت و در حل فعالیت به وی کمک کرد.

در زنگ دوم، به پیشنهاد معلم (که شب گذشته در میان گذاشته بودند) مبحث قدر مطلق را که قبلا توسط معلم تدریس شده بود، برای بچه ها دوره کردم. ابتدا مثالی از محیط پیرامون زدم (کارواش نماد قدر مطلق، ماشین کشیف نماد عدد منفی و ماشین تمیز نماد عدد مثبت) سپس چند مثال زدم و از دانش آموزان خواستم که حل کنند و بعد از آن به حل فعالیت کتاب و کار در کلاس توسط خود دانش آموزان پرداختم. در حین حل، مواقعی که بچه ها دچار اشتباه می شدند، مثال کارواش را دوباره برایشان تکرار می کردم و در بیشتر مواقع متوجه اشتباهشان میشدند. برای حل فعالیت ها بر روی تخته از خود دانش آموزان کمک می گرفتم و برای کسانی که یاد نگرفته بودند، توضیح می دادم. در طی جلساتی که به مدرسه رفته بودم تقریبا شناختی کلی از دانش آموزان بدست آورده بودم. همچنین در ضمن تدریسم، سعی می کردم دانش آموزان را با اسم کوچکشان مخاطب قرار بدهم.

جلسه بعدی، من تدریس مبحث همنهشتی مثلث ها را به عهده داشتم. در ابتدای معلم مبحث اثبات در هندسه را که قبل از درس همنهشتی مثلث ها بود، تدریس کردند. بعد از آن معلم در انتهای کلاس نشست. درس را بازدن چند مثال مرتبط با موضوع (همنهشتی مثلث ها) شروع کردم تا دانش آموزان با مفهوم همنهشتی ارتباط برقرار کنند. بعد از آن از خود دانش آموزان خواستم که مثال هایی بزنند. چون این مبحث در پایه هفتم و هشتم نیز تدریس شده بود، به کمک دانش آموزان تعریف همنهشتی، حالات همنهشتی مثلث ها و حتی همنهشتی قائم الزاویه را بر روی تخته یادداشت کردم. با توجه به فرصتی که داشتم، مسئله ای که به دانش آموزان دادم، بیان حالات همنهشتی مثلث متساوی الساقین و متساوی الاضلاع بود. برای مثلث متساوی الاضلاع که راحت بود و سریع به نتیجه رسیدند. برای مثلث متساوی الساقین، دانش آموزان هر کدام حالت را بیان میکردند. من نیز آن ها را روی تخته یادداشت می کردم سپس با کمک خود بچه ها حالت همنهشتی این نوع مثلث (یک ضلع و یک زاویه) را بدست آوردیم. بعد از آن از دانش آموزان خواستم که فعالیت این درس را حل کنند. در هنگام حل بین ردیف های نیمکت راه می رفتم و به حل دانش آموزان نگاه می کردم و به سوالات دانش آموزان جواب میدادم. دانش آموزانی هم که حل نمی کردند، به بالای سرشان میرفتم و در حل کمکشان می کردم.

سپس از یکی از دانش آموزان داوطلب خواستم که به پای تخته بیاید و فعالیت را انجام دهد. برای هر سوال یک نفر را به پای تخته می آوردم تا سوال را حل کند. بعد از حل فعالیت کلاس به پایان رسید

در یکی از جلسات معلم به دلیل مشکلی که داشتند نتوانستند در مدرسه حضور داشته باشند به همین دلیل از من خواستند که در این روز به جای ایشان به مدرسه بروم. من نیز با کمال میل پذیرفتم و از اینکه همچنین فرصت در اختیار من قرار گرفته بود خوشحال شدم. در این روز همه ی دانش آموزان امتحان میانترم درس عربی داشتند. در زنگ اول با بچه های پایه هشتم که تاحالا سر کلاسشان نرفته بودم، کلاس داشتم. ساعت ۷:۳۰ برگه ها را بین بچه ها توزیع کردم. در موقع امتحان بین نیمکت ها راه می رفتم. از روی حرکات و نگاه های دانش آموزان می شد فهمید که چه کسانی سعی در تقلب دارند. نزدیک آن ها می رفتم و دستم را روی شانه ی آنها می گذاشتم. یا همین طور که راه می رفتم با صدای بلند می گفتم که چقدر

نزدیک به هم نشسته اید مثلاً امتحان دارید. برای جلوگیری از تقلب کردن دانش آموزان، می توانستم جای آن ها را عوض کنم ولی با توجه به تجربه ای که در کارورزی ۱ و ۲ داشتم، به نظر من کاری که انجام دادم (یعنی گذاشتن دست بر روی شانه ی دانش آموز) باعث می شود که وی متوجه شود من حواسم به او هست و همچنین بقیه ی دانش آموزان حواسشان پرت نمی شود.

بعد از امتحان و جمع کردن برگه ها، ابتدا فعالیتی از کتاب که حل نشده بود را به شیوه معلمشان (هر سوال را یک نفر روی تخته بنویسد) حل کردم سپس به حل سوالات کتاب کارشان به همین شیوه پرداختم. در حین حل سوالات بعضی از بچه ها با یکدیگر حرف می زدند با گفتن "توجه کنید" یا راه رفتن بین نیمکت ها سعی می کردم ساکت شوند. بعد از حل چند سوال از کتاب کار، کلاس به پایان رسید.

در زنگ دوم با پایه نهم کلاس داشتم. ۴شنبه ها سرکلاس این پایه می رفتم و تقریباً آنها را می شناختم. در این ساعت هم به حل سوالات کتاب کارشان پرداختم. چون همدیگر را میشناختم هم بچه ها در هنگام حل تمرین توجه می کردند هم من در حین حل سوالات با آنها حرف میزدم و شوخی می کردم. آنها هم سوالاتی راجع به انتخاب رشته برای سال آینده از من می کردند.

در سومین زنگ با پایه هفتم (که ۴شنبه ها سرکلاسشان می رفتم) کلاس دارم. در این زنگ مبحث زاویه و روابط بین آنها را برای دانش آموزان تدریس کردم. ساعت ۱۱:۱۵ وارد کلاس شدم. منتظر شدم که همه بچه ها به کلاس بیایند. بعد از چند دقیقه که همه ی دانش آموزان به کلاس آمدند، ابتدا از نماینده کلاس اسم غایبان را گرفتم. سپس شروع به تدریس کردم. در طول تدریس هم دانش آموزان به درس توجه داشتند. ابتدا مرحله برقراری ارتباط را اجرا کردم. بچه ها با مثال های اهمیت نامگذاری ارتباط برقرار کردند ولی مثالی که در مورد زوایای مثلث ها بیان کردم را به خوبی درک نکرده بودند. بعد از آن فرصتی به دانش آموزان دادم و از آن ها خواستم که فعالیت صفحه ۴۵ را حل کنند. بعد از آن توسط خود دانش آموزان بر روی تخته حل و تصحیح شد. در ضمن حل بچه ها اشکالات خود را می پرسیدند و من به آن ها توضیح می دادم. بعد از آن به کمک بچه ها نحوه های مختلف نامگذاری زاویه را بیان کردم.

برای مرحله به اشتراک گذاشتن، از بچه ها خواستم که کار در کلاس صفحه ۴۵ را به صورت گروهی حل کنند. به همه ی گروه ها توجه داشتم که با هم سوالات را حل کنند. تقریباً اکثر گروه ها در حل سوال اول کار در کلاس به مشکل خورده بودند و من برای هر گروه توضیح می دادم. بعد از آن از هر گروه یک نفر را انتخاب کردم تا یک سوال از کار در کلاس را حل کند. در ضمن حل نیز از آن ها می خواستم که توضیح دهند.

چون در جلسات قبل به این کلاس آمده بودم، دانش آموزان را می شناختم و مانند معلمشان آن ها را با نام کوچکشان صدا می کردم. که این امر باعث ایجاد حس صمیمیت از طرف بچه ها شود. بعد از این مرحله، چون زمان به اتمام رسیده بود و تمام مباحث تدریس نشده بود، برای مرحله انتقال به موقعیت جدید، ۳ سوال اول تمرین کتاب درسی را به عنوان تکلیف تعیین کردم.

به این ترتیب فعالیت من تا مرحله ی آخر اجرا شد و اکثریت بچه ها نیز درس را آموخته بودند. بنابراین کارورزی من به پایان رسید در حالی که تجارب ارزشمندی در طول این چهار کارورزی کسب کرده بودم. در کارورزی یک یاد گرفتم که قضاوت نکنم، در کارورزی دو با طراحی و اجرای خرده فعالیت ها آشنا شدم و در کارورزی سه، طراحی هایی منسجمتر داشتم که اجرای آنها و تجزیه و تحلیل کارم پس از اجرا، شناخت خوبی از شخصیت حرفه ایم به من داد و سرانجام کارورزی چهار فرصتی را فراهم کرد که هر آنچه را که در کارورزیهای پیشین آموخته بودم، به کار بندم و البته اهداف جدیدتری برای آینده ی حرفه ایم تعیین کنم، باشد که با یاری خداوند بتوانم گامی کوچک در تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم بردارم.

فصل سوم

تحلیل و تفسیر یافته ها

در ترم های اول که وارد دانشگاه شدیم، لحظه شماری می کردم برای اولین ترمی که برایمان درس کارورزی بگذارند. چیزی از کارورزی به این صورت نمی دانستم ولی همین که محیط مدرسه و کلاس و ... را تصور می کردم حس خوشایندی در من به وجود می آمد. به هر حال نوبت کارورزی ۱ شد؛ با استادی مهربان و با تجربه (سرکار خانم نجفی) کلاس داشتیم.

ایشان برنامه کارورزی ۱ را برایمان توضیح دادند و دیدیم که خلاف تصور ذهنی مان در این ترم اصلاً اجازه تدریس نداریم؛ خلاصه شروع کردیم به نوشتن گزارش های فیزیکی و عاطفی از مدرسه. تا جایی که به خاطر دارم وقتی به مدرسه می رفتیم می بایست فاصله بین میزهای دانش آموزان را اندازه گیری می کردیم، همچنین در این گزارش هایمان باید رنگ دیوارها، تعداد شیرهای آب خوری، سرویس های بهداشتی و ... را لحاظ می کردیم. همچنین تمام جلسات کارورزی ۱، باید سر کلاس دبیران فقط مشاهده می کردیم و هیچ خرده فعالیتی برای تدریس نداشتیم؛ این کار برایمان خیلی کسل کننده بود ولی جز مراحل بود که باید طی می شد! کم کم متوجه شدیم که هدف از کارورزی ۱ آن بود که می خواستند ما را نکته بین بار بیاورند. هدف بالا بردن دقت ما، پرهیز از قضاوت های بی جا، پرهیز از برچسب زدن به دانش آموزان و ... بود.

کارورزی ۲ ما نیز با همان استاد خوبم خانم نجفی بود. در کارورزی ۲ کم کم خرده فعالیت هایی به ما داده می شد و تدریس می کردیم. هر جلسه مانند کارورزی ۱ گزارش روزانه می نوشتیم و تحویل می دادیم؛ همچنین گزارش های کارورزی ۱ را دقیق تر و کامل تر می کردیم. در کنار این گزارش نویسی ها چون کمی فعالیت تدریس داشتیم، برایمان خوشایند تر از کارورزی ۱ شده بود.

اگر معلم راهنمایمان تدریس و فعالیت دیگری به ما می سپردند خوشحال می شدیم و به دور از چشم استادمان قبول می کردیم (چون فقط اجازه تدریس خرده فعالیت هایی را داشتیم). از کارورزی ۲ نیز تجربه های خوبی کسب کردیم.

حال نوبت کارورزی ۳ شد. این ترم را با استاد حسین زاده، استاد قاسمی، استاد نظری و استاد حیدری گذراندیم. با تغییر اساتید در این ترم نوعی تغییر جدی در رویه ی برنامه های کارورزیمان ایجاد شد. گزارش عاطفی، فیزیکی و تحلیل موقعیت از جمله گزارش هایی بودند که در این ترم تکرار شدند ولی با رعایت اصول و قواعد بیشتر. گزارش روزانه را نیز مانند دو

ترم قبل داشتیم. در این ترم فعالیت ها و تدریس هایمان در کلاس بیشتر شده بود و مدرسه ای که من به آن جا می رفتم در روزهای چهارشنبه هفتمی هایشان کلاس حل تمرین داشتند و در واقع دو کلاس هفتم بود با یک معلم؛ مدیر و معلم خیلی استقبال کردند که هر هفته یکی از کلاس ها را ما کارورزان بر عهده بگیریم و ما نیز تا جایی که توانستیم و در دانشگاه کلاس نداشتیم به مدرسه می رفتیم. در مجموع می توان گفت کارورزی ۳ پربارترین کارورزی ما بود.

کارورزی ۴ خود را نیز با همین اساتید گرامی و صبور گذرانیدیم. در این ترم به غیر از طرح درس نویسی، گزارش نویسی دیگری نداشتیم. کار تدریسمان نیز به صورت گروهی بود و تدریس یک فصل کامل را برعهده داشتیم (بر خلاف کارورزی ترم های قبل).

در این ترم می بایست هنگام تدریس سخنوری را کنار می گذاشتیم و تدریس را طوری طراحی می کردیم که بچه ها را با چالش هایی رو به رو کنیم که با هم درگیر مساله شوند و به این صورت درس را فرا گیرند. در واقع در این ترم تدریس به شیوه سنتی نداشتیم.

در کارورزی ۴ ما فقط با دانش آموزان پایه هفتم سروکار داشتیم. در کلاس های هفتمی ها از تخته هوشمند و ... خبری نبود (بر خلاف کلاس های پایه هشتم و نهم). شاید به علت نوشتن سوالات پای تخته و نداشتن ویدئو پروژکتور و تخته هوشمند کمی سرعت عمل ما در این دو کلاس پایین آمده باشد ولی به هر حال موقعیتی بود برای کسب تجربه. چون باید به عنوان یک معلم وفق دادن خود را با شرایط مدارس مختلف، بیاموزیم.

تا اینجا خلاصه ای از هر ۴ ترم کارورزی گفته شد.

همان طور که در بیانیه ترم قبل نوشتیم، فکر نمی کنم هدف از کارورزی هایی که گذرانیدیم صرفاً برای تمرین تدریس دروس باشد بلکه به نظرم مهمتر از آن اخلاق و بینش یک معلم است که باید بهای بیشتری به آن بدهیم. گرچه تخصص علمی یک معلم بسیار بسیار مهم است ولی به نظرم این علم محض معلم باید پلی باشد برای رسیدن به اهداف عالی.

اخلاق حرفه ای یک معلم نیز بسیار حائز اهمیت است؛ یکی از تجربه هایی که در کارورزی ۱ کسب کردم این بود که در اولین جلسه ای که به همراه دوستم و معلم راهنما وارد کلاس شدیم خیلی ذوق زده شدم و ناخودآگاه خندیدم! خدا رو شکر برای تدریس به آن کلاس نرفته بودیم ولی بعداً از اکثر اساتیدم شنیدم که در جلسات اولیه کلاس باید کمی جدی باشیم و گرنه

از پس کلاس برنخواهیم آمد. در واقع در جلسات اولیه معلم باید موقعیت سنجی کند، دانش آموزان را بسنجد تا بتواند رفتار متناسب با کلاس را داشته باشد.

یکی دیگر از تجربه هایی که کسب کردم این بود که نباید در کلاس درس به دانش آموزان تنش و استرس وارد کنیم. در واقع معلم باید محیطی آرام و در عین حال کلاس فعال طراحی کند؛ به عنوان مثال در یکی از کلاس ها که برای تدریس رفته بودیم یکی از دوستان هنگام تدریس نوعی میچ گیری می کرد و دانش آموز را پای تخته می آورد و گاهی دانش آموز خجالت زده می شد و به نظر من کار درستی نمی باشد و اخلاق حرفه ای معلم ایجاب می کند که شخصیت همه دانش آموزانش را حفظ کند.

هر کدام از ما از این دسته تجربه ها چندین نمونه داریم و به موارد بالا بسنده می کنیم. امیدوارم تجربه های مفید خود و دوستانمان و صحبت های گرانقدر اساتید سرلوحه کارمان در آینده ای نه چندان دور باشد.

سخن آخر اینکه امیدوارم وقتی به عنوان یک معلم وارد کلاس شدیم هر آنچه که تا کنون برای خوب زندگی کردن و انسان خوب بودن آموختیم به دانش آموزان خود نیز انتقال دهیم و دید بهتر و روشن تر نسبت به زندگی به آن ها هدیه کنیم. همچنین امیدوارم همه معلمان از لحاظ علمی در حال پیشرفت باشند.

و در پایان از تمامی اساتید کارورزی که در این ۴ترم ما را با صبر و بزرگواری خود همراهی کردند، کمال تشکر را دارم.

به امید آینده ای درخشان.....*****

و من الله التوفیق

منابع

کتاب ریاضی سال هفتم

کتاب کار سال هفتم انتشارات خیلی سبز

کارورزی ترم های گذشته

<http://www.talif.sch.ir>

ضمائم

فیلم اجرای کارورز

کاربر شماره (۱): ارزیابی (ویژه مدیر مدرسه)

پروین / مرکز آموزش عالی / مدرسه / نیمسال دوم / سال تحصیلی: ۹۵-۱۳۹۴

مشخصات محل کارورزی: استان / شهر: تهران منطقه / ناحیه آموزشی: ۲

مدرسه: استاسب دوره: اول پایه: هفتم نام مدیر مدرسه: سرکار خانم طاهری

آدرس پستی مدرسه: بین چهارراه ولی عصر و چهارراه کاوی / نوحه بن بست سعید

نام معلم راهنما: سرکار خانم ولی شماره تلفن مدرسه:

مشخصات دانشجو: نام و نام خانوادگی: رشته تحصیلی: شماره دانشجویی:

گروه ها	امتیاز	متوسط	خوب	عالی
۱ نظم و انضاط	۱	<input type="checkbox"/>	۱/۵ <input type="checkbox"/>	۲ <input checked="" type="checkbox"/>
۲ مسئولیت پذیری	۱	<input type="checkbox"/>	۱/۵ <input type="checkbox"/>	۲ <input checked="" type="checkbox"/>
۳ رعایت مقررات	۱	<input type="checkbox"/>	۱/۵ <input type="checkbox"/>	۲ <input checked="" type="checkbox"/>
۴ رعایت پوشش متعارف	۱	<input type="checkbox"/>	۱/۵ <input type="checkbox"/>	۲ <input checked="" type="checkbox"/>
۵ مشارکت حوی و اخلاق اجتماعی	۱	<input type="checkbox"/>	۱/۵ <input type="checkbox"/>	۲ <input checked="" type="checkbox"/>
جمع				

نتیجه ارزیابی: (۱۰ امتیاز) تا ۵ امتیاز ☐ متوسط / از ۵ تا ۷/۵ امتیاز ☐ خوب / از ۷/۵-۱۰ امتیاز ☒ عالی

ارائه توصیه‌هایی برای کمک به «توسعه حرفه‌ای» دانشجو:

توجه: «توصیه‌ها» باید در راستای کمک به توسعه حرفه‌ای دانشجو باشد.

۱ ظرفیت‌ها و توانایی‌های شناسایی شده (با ذکر شواهد):

توانایی در اداره کلاس قابل تقدیر می‌باشد.

۲ پیشنهادهایی برای توسعه حرفه‌ای کارورز:

موفق و مؤید باشد.

مهر و امضاء مدیر مدرسه: ۹۵۵,۴ تاریخ: